

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما در فصل سوم بود و عرض کردیم که اگر کسی عمدأ و اختیاراً مفطری را انجام دهد روزه اش باطل می شود و إلا فلا و بعد از اینکه اصل مطلب با روایات و ادله دیگر ثابت شد صاحب عروة فروعی را مطرح کردند که امروز فرع دوم مورد بحث ما می باشد . (مسئله ۲) : إذا أفطر تقيّة من ظالم بطل صومه .

صاحب عروة خیلی مختصر و کوتاه در این مسئله فرموده اند که اگر کسی تقيّة من ظالم افطار کند روزه اش باطل می شود در حالی بحث تقيه بسیار بحث مفصلی می باشد ، و ما مثالی می زنیم و آن اینکه ما ارتماس فی الماء را مبطل صوم می دانیم ولی عامه آن را مبطل صوم نمی دانند خوب اگر ظالمی به شخص صائم گفت که یا ارتماس فی الماء کن یا تو را می کشیم و آن شخص هم تقيه ارتماس فی الماء کرد در این صورت بطل صومه .

خوب همانطور که عرض کردیم صاحب عروة بسیار کوتاه و خلاصه بحث تقيه را مطرح می کند در حالی که تقيه بسیار بحث مبسوط و مفصلی دارد و حضرت امام (ره) هم رساله ای در باب تقيه نوشته اند ، تقيه به جهاتی و به اعتباراتی به چند قسمت تقسیم می شود که قسم اول تقيه خوفیه و تقيه مداراتیه و تقيه کتمانیه می باشد بنابراین گاهی انسان به خاطر خوف و ترس از مخالفین تقيه می کند و گاهی در میان سنی ها تقيه مداراتیه می کند مثلاً در میان سنی ها مثل آنها نماز می خواند و مثل آنها وضو می گیرد و امثال این کارها که در بین آنها مثل آنها عملی را انجام می دهد یعنی ائمه (ع) برای حفظ وحدت فرموده اند که تقيه کنید فلذا ما هم در بین سنی ها تقيه می کنیم ، سوم تقيه کتمانیه است به این معنی که انسان در بین مخالفین کتمان می کند که مسلمان است مثل ابوطالب که چندین سال کتمان کرد که ایمان آورده است ، و قسم دیگر تقيه به اعتبار متقی و متقی فیهِ و متقی منه می باشد خلاصه تقيه اقسام زیادی دارد و ما روایات زیادی درباره آن داریم و بحث های مفصلی درباره آن شده است من جمله اینکه

آیا در همه جا اجزاء هست یا در هیچ جا اجزاء وجود ندارد و غیره .

خوب حالا چند حاشیه می خوانیم تا با مطلب بیشتر آشنا شویم من جمله حضرت امام (ره) در حاشیه عروة می فرمایند : « إذا أتقى من المخالفين في امر راجع الى فتوى فقهاءهم أو حكمهم لا يكون مفطراً فلو ارتكب تقيّة ما لا يرى المخالفون مفطراً صحّ صومه على الأقوى وكذا لو أفطر قبل ذهاب الحمرة وكذا لو أفطر يوم الشك تقيّة لحكم قضائهم بحسب الموازين التي عندهم لا يجب عليه قضاؤه مع بقاء الشك نعم مع العلم بكون حكمهم بالتعديّد مخالفاً للواقع يجوز بل يجب عليه الإفطار تقيّة ويجب عليه القضاء » در واقع ایشان بین تقيه در حکم و تقيه در موضوع تفصیل می دهند چون مسئله عید مربوط به موضوع است ولی آن دو تای اولی که ایشان فرمودند مربوط به حکم است .

بنده هم در حاشیه نوشته ام : « الأقوى التفصيل بين ما كان للتقية في الحكم الكلى كالإفطار عند استتارة القرص و الإفطار بما لا يرونه مفطراً كالإرتماس و بين ما كان في الموضوع مع العلم بالخلاف كالإفطار في يوم يرونه عيد الفطر مع العلم بمخالفته للواقع ففي الأول يصح صومه ففي الثاني وجب الإفطار تقيّة ولكن يجب قضائه » .

آقای حکیم هم در ص ۳۲۱ از جلد ۸ مستمسک فرموده اند : « الأقوى صحة الصوم » بنابراین بحث تقيه بسیار مبسوط می باشد یعنی باید ببینیم اولاً کدام قسم از تقيه است ثانیاً تقيه در حکم است یا موضوع و ثالثاً روایات فراوانی که مربوط به تقيه وجود دارد آیا در مورد حکم تکلیفی هستند یا در مورد اجزاء و صحت هم بحث کرده اند خلاصه اینکه ما انشاء الله چند روزی درباره تقيه بحث خواهیم کرد تا مطلب کاملاً روشن شود منتهی امروز چند مسئله بعدی را می خوانیم تا از فردا بحث تقيه را شروع کنیم .

(مسئله ۳) : إذا كانت اللقمة في فمه و أراد بلها لنسيان الصوم فتذكر وجب إخراجها ، و إن بلعها مع إمكان

إلتقائها بطل صومه ، بل يجب الكفارة أيضاً ، وكذا لو كان مشغولاً بالأكل فتبين طلوع الفجر . اگر لقمه در دهان شخص باشد و در حال قورت دادن آن باشد ولی یک دفعه متذکر شود و یادش بیاید که روزه است در این صورت واجب است که آن را خارج کند زیرا اگر آن را قورت بدهد مرتکب اکل عمدی اختیاری شده که روزه اش باطل می شود و هم قضا دارد و هم کفاره ، و همچنین اگر مشغول خوردن بود و بعد متوجه شد که فجر طلوع کرده نباید چیزی که در دهانش است قورت بدهد بلکه باید آن را بیرون بیاورد و إلا مرتکب اکل عمدی اختیاری شده فلذا روزه اش باطل می شود .

(مسئله ۴) : إذا دخل الذباب أو البقّ أو الدخان الغليظ أو الغبار في حلقه من غير اختياره لم يبطل صومه ، وإن أمكن إخراجهم وجب ولو وصل إلى مخرج الخاء . اگر مگس یا پشه و یا غبار غلیظ و یا دخان بدون اختیار وارد حلقش شوند روزه اش باطل نمی شود ولی اگر متوجه ورود آنها شد و امکان هم دارد که آنها را خارج کند واجب است که آنها را خارج کند زیرا هم خوردن آنها حرام است چون جزء خبائث هستند و هم اگر آنها را بخورد مرتکب اکل عمدی اختیاری شده فلذا واجب است که آنها را خارج کند ولو اینکه به مخرج خاء یعنی به حلق رسیده باشند زیرا فرض بر این است که خروج آنها قی محسوب نمی شود . خوب بقیه مسائل بماند برای بعد از بحث تقیه... .

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

